

ایران و روس

عهدنامه سیاسی ترکمانچای

پنجم شعبان ۱۲۴۳ ق. / دهم فوریه ۱۸۲۸ م.

درآمد:

علت ظاهری انعقاد عهدنامه ترکمانچای نتیجه بی‌توجهی دولتی ایران و روس به تعیین خطوط سرحدی در عهدنامه گلستان ۱۲۲۸ ق. / ۱۴۱۳ م. است. مفاد عهدنامه گلستان که پس از ده سال جنگ بین ایران و روس منعقد شد نه روس‌ها را زیاد خوشحال کرده بود و نه دولت ایران را، لذا هیچ یک از طرفین موقع انعقاد قرارداد در فکر صلح همیشگی نبودند، بلکه هر دو دولت مترصد فرصتی بودند تا جنگ را شروع کنند؛ روس‌ها برای ادامه پیشروی و اجرای برنامه‌ها و اهداف سیاسی خویش در رسیدن به دریاهای آزاد و تسلط بر هندوستان، و ایران برای پس گرفتن ایالات از دست رفته.

روس‌ها مدعی بودند طبق عهدنامه گلستان محال گویجه و چند نقطه دیگر از نواحی ایروان متعلق به روس است. این ظاهر ادعا بود، ولی در باطن امر دنبال بهانه می‌گشتند، چرا که در خاتمه جنگ حدود سرحدی قسمتی که متعلق به روسیه شد بطور دقیق تعیین نگردید و علت هم این بود که سرگور اوزلی قول داده بود بزودی تمام این اراضی مجدداً به دولت ایران مسترد خواهد شد، لذا در عهدنامه تهران (ذیحجه ۱۲۲۹ ق. / نوامبر ۱۸۱۴ م.) انگلیسی‌ها تعیین سرحدات بین ایران و روسیه را منوط به نظر و اطلاع نمایندگی سیاسی خود نمودند.

معاهده سری دولت انگلیس و دولت روس در سر قضایای شرق، مخصوصاً راجع به ایران و دولت عثمانی (۱۲۴۱ ق. / ۱۸۲۶ م.) دولت روس را مختار نمود که هر اقدامی می‌خواهد در ممالک شرقی بکند آزاد باشد. نتیجه آن، اول حمله روس‌ها به دولت ایران بود که قریب دو سال

طول کشید. ۱.

بدنبال اعتراض شدید دولت ایران نسبت به تصرف ناحیه گوججه^۲ و بد رفتاری روس‌ها با مسلمانان نواحی اشغال شده، پرنس منچیکوف^۳ از طرف نیکلا مأمور رسیدگی به اعتراض ایران وارد دربار ایران می‌شود. فتحعلی شاه پیشنهاد تخلیه فوری ناحیه گوججه را به سفیر روس می‌دهد، ولی منچیکوف مذاکرات در این خصوص را موقوف به آمدن سفیر دیگر می‌کند، لذا عباس میرزا بدون اعلان رسمی، در حمله‌ای به سپاهیان روس، لنکران و طالش را آزاد، گوگ چای و بالغ لو را اشغال و قلعه شیشه (شوشی) را محاصره می‌کند (۲۵ ژوئن ۱۸۲۶ م.).

در عرض سه هفته ایرانیان موفق می‌شوند اغلب نقاطی را که به موجب عهدنامه گلستان به روس‌ها تسلیم کرده بودند به کمک اهالی محل پس بگیرند، ولی چون فتحعلی شاه تجربه تلخی از ادامه جنگ با روس داشت تصمیم می‌گیرد از فتوحاتی که نصیبش شده استفاده کرده هر چه زودتر با روس‌ها صلح کند. لذا در اوت ۱۸۲۶ م. میرزه داودخان ارمنی را به عنوان سفیر فوق‌العاده به سن پترزبورگ می‌فرستد تا زمینه مذاکرات صلح را فراهم کند. ولی مأموریت داودخان به علت مخالفت ژنرال یرمولف با عبور وی از قفقاز، عدم قبول میانجیگری پرنس سترنیخه صدراعظم اتریش و پیام گراف نسلرود^۴ وزیر امور خارجه مبنی بر اینکه «چون مذاکرات مربوط به متارکه جنگ به وسیله فرماندهان نظامی دو کشور شروع شده، لذا آمدن وی به سن پترزبورگ ضرورتی ندارد. ۷۴» با شکست مواجه می‌گردد.

مرحله دوم جنگ ایران و روس مصادف است با برکناری یرمولوف و جانشینی ژنرال پاسکویچ و محاصره ایروان توسط وی (مه ۱۸۲۷ م.). در جنگ بسیار شدیدی که در ماه اوت ۱۸۲۷ م. در ساحل شمالی رود ارس بین نیروهای ایران و روس اتفاق می‌افتد ابتدا روس‌ها قلعه عباس آباد و قلعه اردو باد را تصرف می‌شوند، ولی بعداً عباس میرزا موفق می‌شود لشکر روس را در اچمیادزین و در حوالی نخجوان شکست داده و مجبور به عقب‌نشینی نماید. در این موقع عباس میرزا برای دومین بار از فتحعلی شاه تقاضای کمک مالی می‌کند، ولی شاه رسماً از قبول تقاضای عباس میرزا امتناع می‌کند و این امر به ژنرال پاسکویچ فرصت می‌دهد که دست به حمله متقابل زده، پس از هشت روز جنگ خونین ایروان را فتح (۱۵ اکتبر ۱۸۲۷ م.) و به این ترتیب سراسر زمینهای ماوراء ارس به دست روس می‌افتد و ده روز بعد تبریز که فاقد وسایل دفاعی و سنگر بندی

۱. محمود / ۱ ۲۷۰

۲. در اثناء جنگ ایران با عثمانی (۱۸۲۱-۱۸۲۳) یرمولوف از فرصت استفاده کرده و چند قطعه از خاک ایران را در بالغ لو و گوججه جای تصرف نمود، رک: مهدوی ۲۳۱

3. Mentchikoffe.

۴. همان ۲۳۲.

5. Metternich.

6. Grof Nesselrode.

۷. همان ۲۳۳.

بود، توسط ژنرال آریستوف به آسانی تصرف می‌شود.^۸

با سقوط تبریز استقلال ایران به شدت در خطر افتاده و ژنرال آریستوف خود را جهت حمله به تهران آماده می‌کند. در همین موقع است که مکدونالد، وزیر مختار جدید و تازه نفس انگلیس که در تمام مدت جنگ ایران و روس در ایران بود، از پیشرفت روس‌ها و خطر سقوط تهران به شدت نگران شده پیشنهاد میانجیگری می‌دهد و فتحعلی شاه هم که قبلاً از روبرو شدن با دشمن زورمند و فاتح بیمناک بود فوراً این پیشنهاد را می‌پذیرد.

بالاخره در دهم فوریه ۱۸۲۸ م. مطابق با پنجم شعبان ۱۲۴۳ ق. عهدنامه‌ای که سرنوشت ایران را طی مدت تقریباً یک قرن تعیین می‌کرد در ترکمانچای به امضاء رسید. به موجب این عهدنامه، علاوه بر ایالاتی که طبق عهدنامه گلستان از ایران جدا شده بود ایالات نخجوان، ایروان، طالش، قراباغ و شوره‌گل به دولت روسیه واگذار شد و مبلغ ده کروور (پنج میلیون تومان) هم بابت غرامت به روسها پرداخت گردید،^{۱۰} و بالاتر از این‌ها طبق این عهدنامه ننگ کاپیتولاسیون^{۱۱} قریب یک قرن برگرده ملت ایران سنگینی کرده است.^{۱۲}

به هر حال یکبار دیگر سناریوی از پیش تعیین شده دول متجاوز اروپا توسط مکدونالد وزیر مختار انگلیس به ملت ایران تحمیل می‌شود و دولت انگلیس سهم خود از دلالتی چنین معامله‌ای را به قیمت لغو ماده سه و چهار عهدنامه تهران (ذیحجه ۱۲۲۹ ق. / نوامبر ۱۸۱۴ م.) تصاحب می‌کند.^{۱۳} جان ویلیام کی در کتاب «تاریخ جنگهای افغانستان» بهتر از هر کسی این موضوع را شرح داده که در این جا از قول مرحوم محمود محمود نقل می‌شود. جان ویلیام کی گویند:

«انگلیسیها در پی فرصت می‌گشتند که از زیر بار مسئولیت مواد سه و چهار قرارداد نوامبر ۱۸۱۴ م. که با دولت ایران داشتند فرار نمایند. در این هنگام آن موقع و فرصت فرا رسید؛ مبالغ زیادی روسها به عنوان غرامت جنگ از دولت ایران مطالبه می‌نمودند و دربار فتحعلی شاه به هر وسیله متشبث می‌شد که پول پیدا کند... سرجان مکدونالد از طرف دولت انگلستان حاضر شد دو بیست هزار تومان بدهد مشروط بر این که این دو بیست هزار تومان قیمت دو ماده از قرارداد نوامبر ۱۸۱۴ م. باشد و بالاخره دولت ایران از سر ناچارای حاضر شد اصلاحات و تغییراتی در آن قرارداد به عمل آمده، یعنی مواد سه و چهار لغو شود.^{۱۴}»

۸. در مورد سقوط تبریز رک: محمود ۱/۲۷۱؛ نیز رک: بینا ۳۲۹.

9. Macdonald.

۱۰. مهدوی ۲۳۶
۱۱. رک: ماده ۷ و ۸ عهدنامه تجارتهی ترکمانچای در همین مجموعه.
۱۲. مفاد عهدنامه ترکمان که کلاً به موجودیت آزاد و مستقل ایران از جانب روسیه لطمه وارد کرده بود بعد از انقلاب سوسیالیستی شوروی، در سال ۱۲۹۱ ه. طی عهدنامه‌ای در ۲۶ فصل بین ایران و شوروی، تمام آن معاهدات تحمیلی روسیه تزاری و همچنین کلیه معاهداتی را که با دول ثالث علیه ایران شده بود لغو کرد. رک: مدنی ۱/۱۰۲
۱۳. در مورد برخورد سیاستمداران آن روز انگلیس از جمله دوک ولینگتون فاتح نبرد واترلو و سرجان ملکم با مسئله تحمیل عهدنامه ترکمانچای به ایران رک: طاهری ۲/۳۲ به بعد.
۱۴. محمود ۱/۲۷۷.

صورت عهدنامه ایران و روس مشهور به عهدنامه
«ترکمانچای» به عون و عنایت حضرت الهی سنه ۱۲۴۳ ق.

فهرست مندرجات

- دیباچه
مقدمه
فصل اول - صلح و موذت.
فصل دوم - فسخ عهدنامه گلستان بواسطه وقوع جنگ.
فصل سوم - ایالاتی که به روسیه داده شده است.
فصل چهارم - خط جدید سرحدی.
فصل پنجم - اراضی و نواحی جدیدی که به روسیه تعلق یافته است.
فصل ششم - وجه خسارت جنگ. تضمین و اقساط و ترتیب تأدیة آن.
فصل هفتم - در باب عباس میرزا نایب السلطنه.
فصل هشتم - سیر سفاین تجارتنی مملکتین در بحر خزر. شکست و غرق کشتی.
فصل نهم - شرایطی راجع به سفاین جنگی است.
فصل دهم - حفظ مناسبات تجارتنی و حمایت اتباع طرفین. قونسول و وکلای تجارتنی.
در باب شکایت دولت علیه از قونسول یامامور روسیه.
فصل یازدهم - تسویه دعاوی معوقه. وصول و ایصال مطالبات.
فصل دوازدهم - در باب انتقال اموال اشخاصی که در دو طرف رود ارس هستند،
کسانی که محروم از انتفاع این مهلت هستند.

- فصل سیزدهم - اسراء جنگی.
فصل چهاردهم - شرایطی که راجع به فراریان است.
فصل پانزدهم - عفو و بخشش اشخاصی که در مدت جنگ و بعد از آن مرتکب
بعضی اعمال شده‌اند. اموال منقوله و غیرمنقوله معفون و مهلتی که به
مومی الیهم داده شده. کسانی که از عفو و اغماض محروم هستند.
فصل شانزدهم - ترک مخاصمات. تصدیق عهدنامه.

هو الله

دیباچه عهدنامه ایران و روس

الحمد لله الوالی و الکافی بعد از انعقاد عهدنامه مبارکه گلستان و مبادلات و معاملات دوستانه دولتین علیتین و ظهور آداب کمال مهربانی و یکجتهی حضرتین بهیتین به مقتضای حرکات آسمانی برخی تجاوزات ناگهانی از جانب سرحد داران طرفین به ظهور رسیده که موجب سnoch غوایل عظیمه شد و از آن جا که مرآت ضمائر پادشاهانه جانین از غبار این گونه مخاطرات پاک بود اولیای دولتین علیتین تجدید عهد مسالمت را اهتمامات صادقانه و کوشش های منصفانه در دفع و رفع غایله انصاقیه به ظهور رسانیده عهدنامه مبارکه جدید به مبانی و اصولی که در طی فصول مرقومه مذکور است مرقوم و مختوم آمد به مهر وکلای دولتین علیتین و در ماه شوال در سال هزار و دویست و چهل و نه هجری به امضای همایون شرف استقرار و استحکام پذیرفت. بر اولیای دولتین لازم است که از این پس در تحصیل موجبات مزید دوستی و موافقت اهتمامات صادقانه مبذول دارند و اسباب استحکام و استقرار معاهده مبارکه را به مراودات دوستانه متزاید خواهند و اگر در معذات تکمیل امور دوستی قصوری بینند به امضای خواهشهای منصفانه تدارک آن را لازم بشمارند و دقیقه از دقائق دوستی را مهمل و متروک نگذارند.

چون اعلیحضرت قضا قدرت، پادشاه اعظم و الاجاه، امپراطور اکرم شوکت دستگاه، مالک بالاستحقاق کلّ ممالک روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت، خسرو نامدار پادشاه اعظم با اقتدار ممالک ایران، چون هر دو علی السویه اراده و تمنای صادقاته دارند که به نوایب و مکاره جنگی که بالکلیه منافی رأی والای ایشان است نهایی بگذارند و ستهای قدیم حُسن مجاورت و مودت را مابین این دو دولت بواسطه صلحی که متضمن دوام باشد و بواعث خلاف و نفاق آتیه را دور کنند در بنای مستحکم استقرار دهند، لهذا برای تقدیم این کار خجسته آثار اعلیحضرت امپراطور کلّ ممالک روسیه جناب ژان پاسکویچ [۱]، جنرال آنفاندری [۲]، سردار عسکر جداگانة قفقاز، ناظم امورات ملکیه گرجستان و ولایات قفقاز و حاجی ترخان [۳]، مدیر سفاین حرّیه بحر خزر، صاحب حمایلات الکسندر نویسکی مقدس مرصع به الماس، به آن مقدس مرتبه اول مرصع به الماس، ولادیمیر مقدس مرتبه اول و میورمی مقدس مرتبه دویم و صاحب دو شمشیر افتخار یکی طلا موسوم «برای شجاعت» و دیگری مرصع به الماس و صاحب حمایلات دول خارجه مرتبه اولین عقاب سرخ پیکر روسیه، هلال دولت عثمانی و نشان های دیگر و جناب «الکسندر اوپروسکوف» صاحب حمایلات مقدسه ثالث ولادیمیر، مرتبه ثانی سن استانیلاس لهستان، مرتبه دوم سن ژان بیت، و از طرف اعلیحضرت قویشوکت پادشاه ممالک ایران نواب مستطاب والا شاهزاده نامدار عباس میرزا [۴] را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از آن که در ترکمانچای [۵] مجتمع شدند و اختیار نامه خود را مبادله کرده و موافق قاعده و شایسته دیدند، فصول آتیه را تعیین و قرار داد کردند:

فصل اول - بعد الیوم مابین اعلیحضرت امپراطور کلّ ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و ولیمهدان و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان

مصالحه و موذت و وفاق کاملی إلى یوم الأبد واقع خواهد بود.

فصل دویم - چون جدال و نزاعی که فیما بین عهدکنندگان رفیع الارکان واقع شد و امروز بسعادت منقطع گردید، عهد و شروطی را که بموجب عهدنامه گلستان، بر ذمت ایشان لازم بود موقوف و متروک می‌دارد، لهذا اعلیحضرت کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران چنین لایق دیدند که به جای عهدنامه مزبوره گلستان، عهدنامه دیگر به این شروط و عهد و قیود قرار دهند که مابین دو دولت روس و ایران بیشتر از پیشتر موجب استقرار و انتظام روابط آتی صلح و موذت گردد.

فصل سیم - اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و از جانب ولیمهدان و جانشینان به دولت روسیه واگذار می‌کند تمامی الکای نخجوان و ایروان را - خواه این طرف روس باشد یا آن طرف. و نظر به این تفویض، اعلیحضرت ممالک ایران تعهد می‌کند که بعد از امضاء این عهدنامه، در مدت شش ماه، همه دفتر و دستورالعمل متعلق به اداره این دو دولت مذکوره باشد به تصرف امرای روسیه بدهند.

فصل چهارم - دولتین علیتین معاهدتین عهد و پیمان می‌کنند که برای سرحد فیما بین دو مملکت بدین موجب سرحد وضع نمایند:

از نقطه سرحد ممالک عثمانی که از خط مستقیم به قله کوه آغری کوچک [۶] اقرب است. ابتدا کرده، این خط تا به قله آن کوه کشیده می‌شود و از آنجا به سرچشمه رودخانه مشهور به قواسوی پایین که از سرایشب جنوبی آغری کوچک جاریست فرود آمده، به متابعت مجرای این رودخانه تا به التقای آن رودخانه ارس در مقابل شرور ممتد می‌شود. چون این خط به آن جا رسید به متابعت مجرای ارس تا به قلعه عباس آباد می‌آید و در تعمیرات و ابنیه خارجه آن که در کنار راست ارس واقع است نصف قطری بقدر نیم آغاج [۷] که عبارت از سه ورس [۸] و نیم روسی است رسم می‌شود و این نصف قطر در همه اطراف امتداد می‌یابد. همه اراضی و عرصه که در این نصف قطر محاط و محدود می‌شود بالانفراد متعلق به روسیه خواهد داشت و از تاریخ امروز در مدت دو ماه با صحت و درستی کامل معین و مشخص خواهد شد و بعد از آن از جایی که طرف شرقی این نصف قطر متصل به ارس می‌شود خط سرحد شروع و متابعت

مجرای ارس می‌کند تا به مسیر یدی بلوک و از آن جا از خاک ایران به طول مجرای ارس امتداد می‌یابد با فاصله و مسافت سه آغاج که عبارتست از بیست و یکک ورس روسی. بعد از وصول به این نقطه خطّ سرحدّ به استقامت از صحرای مغان می‌گذرد تا به مجرای رودخانه موسومه باله‌ارود [۹] به محلی که در سه فرسخی واقع است که عبارتست از بیست و یکک ورس روسی پایین تر از ملتقای دو رودخانه کوچک موسوم به آدینه بازار [۱۰] و ساری قمیش و از آن جا این خطّ به کنار چپ بالها رود تا به ملتقای رودخانه‌های مذکور آدینه بازار و ساری قمیش صعود کرده به طول کنار راست رودخانه آدینه بازار شرقی تا به منبع رودخانه و از آن جا تا به اوج بلندی‌های جگگیر [۱۱] امتداد می‌یابد، به نوعی که جمله آبهایی که جاری به بحر خزر می‌شوند متعلّق به روسیه خواهد بود و همه آبهایی که سرایشیب و مجرای آنها به جانب ایران است تعلق به ایران خواهد داشت.

و چون سرحدّ دو مملکت این جا بواسطه قتل جبال تعیین می‌یابد، لهذا قرار داده شد که پشته‌هایی که از این کوهها به سمت بحر خزر است به روسیه و طرف دیگر آنها به ایران متعلّق باشد. از قله‌های بلندی‌های جگگیر خطّ سرحدّ تا به قله کمرقویی به متابعت کوههایی می‌رود که طالش را از محال ارشق [۱۲] منفصل می‌کند. چون قتل جبال از جانبین مجرای میاه را [۱۳] می‌دهند، لهذا در این جا نیز خطّ سرحدّ را همان قسم تعیین می‌کند که در فوق در باب مسافت واقعه بین منبع و آدینه بازار و قتل جگگیر گفته شد و بعد از آن خطّ سرحدّ از قله کمرقویی به بلندی‌های کوههایی که محال زوند را از محال ارشق فرق می‌دهد متابعت می‌کند تا به سرحدّ محال وتکیج همواره بر طبق همان ضابطه که در باب مجرای میاه معین شد، محال زوند بغیر از آن حصه که در سمت مخالف قتل جبال مذکوره واقع است از این قرار حصه روسیه خواهد بود. از ابتدای سرحدّ محال ولکیج خطّ سرحدّ مابین دو دولت به قتل جبال کلوتویی و سلسله کوههای عظیم که از ولکیج می‌گذرد متابعت می‌کند تا به منبع شمالی رودخانه موسوم به آستارا پیوسته به ملاحظه همان ضابطه در باب مجرای میاه و از آن جا خطّ سرحدّ متابعت مجرای این رودخانه خواهد کرد تا به ملتقای دهنه آن به بحر خزر و خطّ سرحدّ را که بعد از این متصرفات روسیه و ایران را از هم فرق خواهد داد تکمیل خواهد نمود.

فصل پنجم - اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برای اثبات دوستی خالصانه که نسبت به اعلیحضرت امپراطور کلّ ممالک روسیه دارد به این فصل از خود و از عوض

اخلاف و ولیعهدان سریر سلطنت ایران تمامی الکا و اراضی و جزایری را که در میانه خط حدود معینه در فصل مذکوره فوق و قتل برف دارکوه قفقاز و دریای خزر است و کذا جمیع قبایل را چه خیمه نشین چه خانه دار، که از اهالی و ولایات مذکوره هستند واضحاً و علناً الی الأبد مخصوص و متعلق به دولت روسیه می داند.

فصل ششم - اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به تلافی مصارف کثیره که دولت روسیه را برای جنگ واقعه بین الدولتین اتفاق افتاده و همچنین به تلافی ضررها و خسارت هایی که به همان جهت به رعایای دولت روسیه رسیده تعهد می کند که بواسطه دادن مبلغی وجه نقد آنها را اصلاح نماید و مبلغ این وجه بین الدولتین به ده کروور تومان رایج قرار گرفت که عبارت است از بیست میلیون مناط سفید روسی، و چگونگی در موعده و رهاین فصول این وجه در قرار داد علاحده که همان قدر قوت و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظاً به لفظ در این عهدنامه مصالحه حالیه مندرج است، معین خواهد شد.

فصل هفتم - چون اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران شایسته و لایق دانسته همان فرزند خود عباس میرزا را ولیعهد و وارث تخت فیروزی بخت خود تعیین نموده است، اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه برای این که از میل های دوستانه و تمنای صادقانه خود که در مزید استحکام این ولیعهدی دارد به اعلیحضرت پادشاهی شاهنشاه ممالک ایران برهانی واضح و شاهی لایح بدهد، تعهد می کند که از این روز به بعد شخص وجود ثواب مستطاب والا شاهزاده عباس میرزا را ولیعهد و وارث برگزیده تاج و تخت ایران شناخته، از تاریخ جلوس به تخت شاهی، پادشاه بالاستحقاق این مملکت می داند [۱۴].

فصل هشتم - سفاین تجارنی روس مانند سابق استحقاق خواهند داشت که به آزادی بر دریای خزر به طول سواحل آن سیر کرده به کناره های آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت و همچنین کشتیهای تجارنی ایران را استحقاق خواهد بود که به قرار سابق در بحر خزر سیر کرده، به سواحل روس آمد و شد نمایند و در آن سواحل در حال شکست کشتی به همان نسبت استعانت و امداد خواهند یافت. در باب سفاین حریبه که علم های عسکریه روسیه دارند چون از

قدیم بالانفراد استحقاق داشتند که در بحر خزر سیر نمایند، لهذا همین حق مخصوص کمافی‌السابق امروز به اطمینان به ایشان وارد می‌شود، به نحوی که غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر نمی‌تواند در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشد.

فصل نهم - چون مکنون خاطر اعلیحضرت امپراطور کلّ ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران است که من کل الوجوه عهدی را که به این سعادت و میمنت مابین ایشان مقرر گشته مستحکم نمایند، لهذا قرار داد نمودند که سفراء و وکلا و کارگزاری که از جانبین به دولتین علیتین تعیین می‌شود - خواه برای انجام خدمات‌های اتفاقی یا برای اقامت دایمی - به فراخور مرتبه و موافق شأن دولتین علیتین و بملاحظهٔ موذتی که باعث اتحاد ایشان گشته به عادت ولایت مورد اعزاز و احترام شوند و در این باب دستورالعملی مخصوص و تشریفاتی قرار خواهند کرد که از طرفین مرعی و ملحوظ گردد.

فصل دهم - چون اعلیحضرت امپراطور کلّ روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران استقرار و افزایش روابط تجارت را مابین دو دولت مانند یکی از نخستین فواید ملاحظه کردند که می‌بایست از تجدید مصالحه حاصل شود، لهذا قرار داد نمودند که تمامی اوضاع و احوال متعلقه به حمایت تجارت و امنیت تبعهٔ دو دولت را به نوعی که متضمن مرابطهٔ کامله باشد معین و منتظم و در معاهدهٔ جداگانه‌ای که به این عهدنامه ملحق و مابین وکلای مختار جانبین مقرر و مانند جزو متمم او مرعی و ملحوظ میشود مضبوط و محفوظ دارند.

اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برای دولت روس کمافی‌السابق این اختیار را مرعی می‌دارد که در هر جا که مصلحت دولت اقتضا کند کونسولها و حامیان تجارت تعیین نمایند و تعهد می‌کند که این کونسولها و حامیان تجارت را که هر یک زیاده از ده نفر اتباع نخواهد داشت فراخور رتبهٔ ایشان مشمول حمایت و احترامات و امتیازات سازد و اعلیحضرت امپراطور کلّ ممالک روسیه از جانب خود وعده می‌کند که دربارهٔ کونسولها و حامیان تجارت اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به همین وجه مساوات کامله مرعی دارد.

در حالتی که از جانب دولت ایران نسبت به یکی از کونسولها و حامیان تجارت

روسیه شکایتی محققه باشد، وکیل یا کارگزار دولت روس که در دربار اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران متوقف خواهد بود و این حامیان و کونسولها بلاواسطه در تحت حکم او خواهد شد، او را از شغل خود بیدخل داشته به هر که لایق داند اداره امور مزبور را بر سبیل عادیه رجوع خواهد کرد.

فصل یازدهم - همه امور و ادعاهای تبعه طرفین که به سبب جنگ به تأخیر افتاده بعد از انعقاد مصالحه موافق عدالت به اتمام خواهد رسید و مطالباتی که رعایای دولتیین جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند به تعجیل و تکمیل وصول پذیر خواهد شد.

فصل دوازدهم - دولتیین علیتین معاهدتین بالاشتراک در منفعت تبعه جانبین قرار داد می کنند که برای آنهايي که مابین خود به سیاق واحد در دو جانب رود ارس املاک دارند موعدی سه ساله مقرر نمایند تا به آزادی در بیع یا معاوضه آنها قدرت داشته باشند، لکن اعلیحضرت امپراطور کل روسیه از منفعت این قرار داد در همه آن مقداری که به او تعلق و واگذار می شود، سردار سابق ایروان حسین خان و برادر او حسن خان [۱۵] و حاکم سابق نخجوان کریم خان را مستثنی می دارد.

فصل سیزدهم - همه اسیرهای جنگی دولتیین خواه در مدت جنگ آخر باشد یا قبل از آن و همچنین تبعه طرفین که به اسیری افتاده باشند از هر ملت که باشد همگی بغایت چهار ماه به آزادی مسترد و بعد از آنکه جیره و سایر تدارکات لازمه به آنها داده شد به عباس آباد فرستاده می شوند تا اینکه به دست مباشرین جانبین که در آن جا مأمور گرفتن و تدارکات فرستادن ایشان به ولایت خواهد بود تسلیم شوند.

دولتیین علیتین^۱ در باب همه اسیرهای جنگ و تبعه روس و ایران که به اسیری افتاده و به علت دوری مکانهایی که در آن جا بوده اند یا به علت اوضاع و اسباب دیگر بعینه مسترد نشده باشند، همان قرار داد را می کنند و هر دو دولت ای وقت کان اختیار بی حد و نهایت خواهند داشت که آنها را مطالبه کنند و تعهد می کنند که هر وقت اسیر خود

۱. ب: علتین.

به دولت عرض نماید یا ایشان را مطالبه کنند از جانبین مسترد سازند [۱۶].

فصل چهاردهم - دولتین علّیتین معاهدتین جلای وطن کنندگان و فراریان را که قبل از جنگ یا در مدت آن به تحت اختیار جانبین گذاشته باشند مطالبه نمی‌کنند ولیکن برای منع نتایج مضّره جانبین که از مکاتبات و علاقه خفیه بعضی از این فراریان با هم ولایتیان یا اتباع قدیم ایشان حاصل می‌تواند شد، دولت ایران تعهد می‌کند که حضور و توقف اشخاصی را که الحال یا بعد از این باسمه به او مشخص خواهد شد از متصرفات خود که مابین ارس و خطّ رودخانه مرسوم به جهریق و دریا و حد ارومی و رودخانه مشهور به جیقو [۱۷] و قول اوزن تا التقای آن به دریا واقع است رخصت می‌دهد.

اعلیحضرت امپراطور کلّ ممالک روسیه از جانب خود همچنین وعده می‌کند که فراریان ایران را در ولایت قراباغ و نخجوان و کذالک در آن حصّه ولایت ایروان که در کنار راست رود ارس واقع است اذن توطّن و سکنی ندهد، لیکن معلوم است که این شرط مُجری و معمول نبوده و نخواهد بود، مگر در باب اشخاصی که صاحب مناصب ملکیه یا مرتبه و شأن دیگر باشد، مانند خوانین و بیگ‌ها و ملاهای بزرگ که صورت رفتارها و اغواها و مخابرات و مکاتبات خفیه ایشان درباره همولایتیان و اتباع و زیردستان قدیم خود موجب یک نوع رسوخ و تأثیر به افساد و اخلال تواند شد.

در خصوص رعایای عامّه مملکتین مابین دولتین قرار داده شده که رعایای جانبین که از مملکتی به مملکت دیگر گذشته باشند، یا بعد از این بگذرند مأذون و مرخص خواهند بود که در هر جایی که آن دولت که این رعایا به تحت حکومت و اختیار او گذاشته باشند مناسب داند سکنی و اقامت کنند [۱۸].

فصل پانزدهم - اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به این حسن اراده که آرام و آسایش را به ممالک خود باز آورد و موجبات مکاره را که اکنون به سبب این جنگ و خصومت بر اهالی مملکت روی آورده و به جهت انعقاد این عهدنامه که به فیروزی تمام سمت انجام می‌پذیرد از ایشان دور کرده، همه رعایا و ارباب مناصب آذربایجان عفو کامل و شامل مرحمت می‌فرمایند و هیچ یک از ایشان بدون استثنای مراتب و طبقات به جرم عرضه‌ها و عملها و رفتارهای ایشان که در مدّت جنگ یا در اوقات تصرف چند وقت قشون روسیه از ایشان ناشی شده نباید معاقب شوند و آزار ببینند و نیز

از امروز یکساله مهلت به ایشان مرحمت می‌شود که به آزادی یا عیال خود از مملکت ایران به مملکت روس انتقال نمایند و اموال و اشیاء خود را نقل یا بیع کنند، بدون اینکه از جانب دولت یا حکام ولایت اندک ممانعت کنند یا از اموال و اشیاء منقوله یا مبیعه ایشان حقی و مزدی اخذ نمایند.

و در باب املاک ایشان پنج سال موعده مقرر می‌شود که در آن مدت بیع به حسب خواهش خود بناگذاری در باب آنها نمایند، و از این عفو و بخشش مستثنی می‌شوند کسانی که در این مدت یکساله به سبب بعضی تقصیرها و گناه‌هایی که مستلزم سیاست دیوانخانه باشد مستوجب عقوبت می‌گردند [۱۹].

فصل شانزدهم - بعد از امضای این عهدنامه مصالحه، فی الفور وکلای مختار جانبین اهتمام خواهند داشت که به همه جا دستورالعمل و حکم‌های لازمه بفرستند تا بلا تأخیر خصومت را ترک نمایند.

این عهدنامه مصالحه که در دو نسخه به یک مضمون ترتیب یافته است و به دستخط وکلای مختار جانبین رسیده به مَهر ایشان مَمهور و مابین ایشان مبادله شده است. از جانب اعلیحضرت امپراطور کَل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مصدق و ممضی و تصدیق نامه‌های متداوله که به دستخط مخصوص ایشان مزین خواهد بود و در مدت چهار ماه یا زودتر اگر ممکن باشد مابین وکلای مختار ایشان مبادله خواهد شد.

تحریراً درقریه توکمان جای، به تاریخ دهم شهر (۴) فیورال روسی سنه یک هزار و هشتصد و بیست و هشت (۱۸۲۸ م.) مسیحیه که عبارت است از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یک هزار و دوپست و چهل و سه (۱۲۴۳ ق.) هجری به ملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید و به امضای وزیر دول خارجه عالیجاه میرزا ابوالحسن خان [۲۰] رسید.

توضیحات عهدنامه سیاسی ترکمانچای

۱) ایوان پاسکویچ Ivan Paskevitch (۱۷۸۲ - ۱۸۵۶ م.)، ایوان فیودور ویچ پاسکویچ، فیلد مارشال روسی، کنت ایروان و امیرورشو. از پیشخدمت‌های تزار پاول I بود و در ۱۸۰۰ م. وارد نظام شد و به سرعت ترقی کرد. در جنگ‌های ایران و روس به سال ۱۸۲۶ - ۲۸ م. فرمانده سپاهان روس بود و پیروزی‌هایش منجر به معاهده ترکمانچای گردید (۱۲۴۲ ق.). در طی دو جنگ با دولت عثمانی، قارص و ارزروم، را گرفت. در ۱۸۳۰ م. عنوان کنت ایروان و مقام مارشالی یافت. در ۱۸۳۱ م. شورش لهستان را در هم شکست و پس از سقوط ورشو که ضربه مهلکی به استقلال لهستان بود. به مقام امیر ورشو ارتقاء یافت و نایب السلطنه لهستان گردید.^۱

۲) جنرال آنفاندری: جنرال آجودان.

۳) حاجی ترخان Haji Tarxan: یا هشرخان، شهری در جنوب شرقی شوروی در دلتای رود ولگا بر ساحل چپ شاخه اصلی آن، بفاصله حدوداً ۱۰۰ کیلومتری دریای خزر، محل بارگیری نفت باکوست. در زمان این بطوطه آبادی درین محل وجود داشت و در زمستان ۷۹۸ ق. به دست امیر تیمور ویران گردید. کلیسای جامع و دیر و کرمه، قسمت قدیمی شهر هنوز باقی است.^۱

۴) عباس میرزا (۱۲۰۳ - ۱۲۴۹ ه. ق.): عباس میرزا نایب السلطنه، پسر دوم فتحعلی شاه در قریه نوا از شهرستان لاریجان به سال ۱۲۰۳ ق. متولد و در سال ۱۲۱۳ ق. به وزارت قائم مقام فراهانی بعنوان حکمرانی و ولیعهدی به آذربایجان مأمور شد. عباس میرزا یکی از شاهزادگان لایق و شایان توجه و با شخصیت خانواده قاجار بود که همواره می‌خواست با افکار تجدد خواهانه‌ای که داشت کشور ایران را به طرف تجدد و تمدن سوق دهد و درین رابطه یکی از بزرگترین خدمات این شاهزاده اعزام محصلینی بود که برای اخذ علم و دانش به اروپا فرستاد و دیگری آوردن اولین چاپخانه و ایجاد بعضی صنایع دیگر است. عباس میرزا پس از سی سال خدمت به ایران در سن ۴۸ سالگی در مأموریت خراسان که برای محاصره هرات و سرکوبی افغان‌ها رفته بود در شهر مشهد به بیماری سل در گذشت. سجع مهر نایب السلطنه عباس میرزا این بود: در دریای خسروی عباس سنه ۱۲۱۴ ه.

۵) ترکمانچای: قصبه‌ای از دهستان بروانان است که در بخش ترکمان شهرستان میانه و ۳۳ هزار

۱. مصاحب.

۲. درین مورد رک: بامداد ۲/ ۲۱۵ به بعد؛ صدرالتواریخ ۵۱؛ آجودانباشی ۱۱۴ به بعد.

گری شمال باختری میانه و ۳ هزار گری شوسه میانه تبریز قرار دارد.

کوهستانی و معتدل است و.^۲

(۶) آغری کوچک: آغری داغ، آرارات و آن دارای دو قلعه است که یکی به آغری داغ کوچک و دیگری به آغری داغ بزرگ معروف است و این کوه حد میان ایران و روس و ترکیه است.^۴

(۷) آغاج: مأخوذ از ترکی به معنی فرسخ.

(۸) ورس: مأخوذ از روسی، اندازه‌های از مسافت معادل ۳۵۰۰ قدم.

(۹) بالها رود: نام رودخانه ایست در آذربایجان که از کوه‌های اوچارود سرچشمه می‌گیرد و وارد دریاچه محمود چاله می‌شود.

(۱۰) آدینه بازار: نام رودی در سرحد ایران و روس در سه فرسنگی بالها رود و این رود به ساری قمیش می‌پیوندد.

(۱۱) جگیر: ظ: جغیر Jegir، دهی از دهستان آتش بیگ بخش سر اسکندر شهرستان تبریز، و کوه جگیر هم منسوب به همین ده است.^۵

(۱۲) اوشق: موضعی است به مغرب طالش (دهخدا) اوشق کوهی است به زمین موقان [مغان] از نواحی آذربایجان نزدیک بده، شهر بابک خرمی.^۶

(۱۳) میاه: جمع ماء به معنی آب.

(۱۴) مهدی بامداد در جلد دوم و شرح حال رجال ایران در مورد علت وجودی فصل هفتم عهدنامه ترکمانچای در ذیل ماده عباس میرزا می‌نویسد: «... پس از این قضایا و اجتماع شاهزادگان در تهران [بعد از شکست سپاه ایران از سپاه روس جمعی از مخالفین عباس میرزا به اسم اینکه نایب السلطنه با روس‌ها ساخته است در کار او افساد کرده و گرد شجاع السلطنه جمع شدند] عباس میرزا چون دید که مقامش متزلزل و ممکن است که از ولیمهدی معزول و دیگری به جایش انتخاب شود، از این جهت حب جاه و مقام او را وادار کرد که با روسها با شرایطی چند سازش نماید. روسیه دولت غالب و به مصداق الحکم لمن غلب ولایتمهدی او و اعقاب او را تأیید و تنفیذ نمود و موضوع را در فصل هفتم معاهده ترکمانچای گنجانده و دولت و شاه مغلوب به ناچار آن را پذیرفت.»

اساساً روس‌ها از اینکه مسأله جانشینی فتحعلی شاه و دخالت روسیه در این امر در عهدنامه گنجانده شده بود بسیار راضی بودند، چراکه اولاً این را پیش‌بینی می‌کردند که چون عباس میرزا به قدرت نظامی روسیه آگاهی دارد در صورت رسیدن به سلطنت دیگر جرأت نخواهد کرد که به خاک روسیه حمله کند. ثانیاً اجازه دخالت در امور مهم داخلی ایران را به دست آورده بودند، از آن طرف

۳. فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۴.

۴. دهخدا.

۵. فرهنگ جغرافیایی، ج ۴.

۶. معجم البلدان.

هم عباس میرزا به امید این که درایام سلطنتش بتواند جبران شکست‌های خود را بنماید کوشش می‌کرد که جانشین فتحعلی‌شاه شود.

به‌رحال با توجه به این که روس در آن دوره دشمن ایران بوده و به بقاء سلطنت و استقلال این کشور نه تنها علاقه نداشت، بلکه برای اجرای نقشه‌های سیاسی خویش (از جمله دست‌یابی به آبهای آزاد از طریق ایران طبق وصیت‌نامه پطر کبیر) طالب اضمحلال و انحطاط ایران نیز بود، پیشنهاد اجازه دخالت روس در امر جانشینی شاه ایران، توسط فتحعلی‌شاه کار عاقلانه‌ای نبوده است.

۱۵) علت مستثنی بودن حسین‌خان و حسن‌خان ملقب به ساری اصلان (شیر زرد) از امتیازات فصل دوازدهم عهدنامه ترکمان‌چای مربوط می‌شود به مقاومت دلیرانه این دو برادر در مقابل سپاه روس که پس از عقب نشینی سپاه عباس میرزا به مدت چهار ماه شهر ایروان را محاصره کرده بودند.^۷ با توجه به مفاد همین ماده همچنین ماده پانزدهم معلوم می‌شود که دولت روسیه هنوز چشم طمع به خاک ایران داشته، زیرا در موقع تنظیم مواد عهدنامه ترکمان‌چای برای خاتمین تقاضای عفو کرده و خدمتگزاران و میهن‌پرستانی که برای نجات ایران و دفاع از خاک ایران فعالیت و جانبازی کرده‌اند از حقوق خود محروم نموده است تا خائنان بدانند که در آینده از همکاری با بیگانه ضرری نمی‌بینند و خدمتگزاران متوجه شوند که مخالف با دشمنان ایران نتایج خوبی ندارد.

۱۶) ضربه توطئه قتل گریبایدوف - که دست توطئه‌گر استعمار انگلیس در آن دخیل بود و اگر شرایط ایجاب می‌کرد جنگ سومی میان روسیه و ایران پدید می‌آورد - هنگامی وارد آمد که وی طبق همین فصل عهدنامه در صدد کوچ دادن اسیران نظامی و غیر نظامی و عده‌ای از ارامنه و گرجیان که به ایران وارد شده بودند، برآمد.

۱۷) جیقتو: مراد جیقاتو یا «زربنه روده میاندو آب است.

۱۸) در اجرای مفاد این فصل عهدنامه مبنی بر حل مسایل پناهندگان و گریختگان نزدیک هفده سال در میان دولت ایران و دولت روسیه دشواری‌هایی روی داده و سرانجام در سوم ژوئیه ۱۸۴۴ م. برابر با ۲۸ جمادی‌الآخر ۱۲۶۰ ق. حاج میرزا آقاسی صدراعظم ایران و سدم^۸، وزیرمختار روسیه در تهران، برای تفسیر این فصل، قرار دادی در چهار ماده امضا کردند.^۹

۱۹) روزی که گریبایدوف بعد از انعقاد عهدنامه ترکمان‌چای، به عنوان وزیر مختار روسیه به تهران آمد، یکی از مأموریت مهم سیاسی‌اش حل و فصل مسأله استرداد اسیران جنگی طبق فصول ۱۳، ۱۴، ۱۵ مندرج در عهدنامه سیاسی ترکمان‌چای بود. بطوری که از متون مدارک و اسناد تاریخی برمی‌آید، هنگامی که وی به این کار دست زد، دشواری به اوج خود رسید. گویا در میان اسیران، زنانی بوده‌اند که ایشان را به اسارت به تهران آورده و به عادت و رسم آن زمان یا آنان را به این و آن فروخته بودند و یا به زور به عقد این و آن در آورده بودند و شاید برخی از ایشان فرزندان هم داشته‌اند، ولی

۷. رک: پامداد ۲/۲۱۵ به بعد.

8. Medem.

۹. جهت مطالعه متن قرار داد رک: نفیسی ۱۹۳/۲.

چون شیرینی و حلالت بازگشت به خانه و زادگاه خویش را به سر شکستگی اسارت و بردگی ترجیح می‌داده‌اند، از محل زندگی خویش (گویا از خانه‌ی اللهیار آصف الدوله) فرار کرده و در سفارت به گریبایدوف پناه برده بودند. بهر حال حمایت گریبایدوف از این اسراء و تصمیم وی به برگرداندن ایشان به وطن مألوفه‌شان باعث بروز اغتشاش و غوغا در تهران و آخر سر، کشته شدن وی و همراهانش گردید.

۲۰) میرزا ابوالحسن خان: رک: عهدنامه گلستان درین مجموعه.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/treaties/>